



من حتی فیلم «متری شیش و نیم» او را هم دوست داشتم. این سبک، سبک سعید روستایی است و من امیدوارم در این ژانر اجتماعی که انتخاب کرده است، در خشان باشد؛ این در حالی است که ممکن است بتواند، ممکن است نتواند. با تاکید می گویم من «ابد و یک روز» را بیشتر می پسندم چون یک دست تر بود

فکر نمی کنم برای شما که با فیلم انقلابی هم توانستید کار پر فروش بسازید، سخت بوده باشد که از «مشت آخر» هم یک فیلم پر فروش در بیاورید، اما گویا تعمداً داشتید که کار خودتان را بکنید. درست است؟

من سعی کردم، اما هر سوزه ای ممکن است این قابلیت را نداشته باشد. یک فیلم می تواند مورد اقبال قرار بگیرد یا نگیرد. مثلاً روزی که فیلم «تشریفات» یا «خوابگاه» را ساختم فکر نمی کردم مورد استقبال قرار بگیرد اما این اتفاق افتاد. در این شرایط و با این سینمای به شدت کمبودزده که تماشاچی صرفاً برای خنده به سینما می رود، سینما تبدیل به محلی برای خندیدن و لودگی یا نوعی دورهمی شده و اساساً ذائقه مخاطب عوض شده است. «مشت آخر» در این شرایط و در فضای کمبودزده اکران شد و فضای ارائه آن چنانی هم با این قیمت هانداشتیم.

یکی از شاخصه های سینمای شما این است که شبیه سینمای کسی نیست و یک سری المان در آن تکرار می شود، مثل همین رزمی بودن، اما این تشخیص را در سینمای جوانان فعلی کمتر می بینیم و شاهدیم که یک دوره ای موج شبیه اصغر فرهادی بودن راه می افتد، یک دوره موج شبیه سعید روستایی بودن. شما هیچ وقت شده بخواهید ادای یک فیلمساز داخلی یا خارجی را در بیاورید؟ فیلمسازی از نسل جوان هست که کارش را خیلی دوست داشته باشید و از نظر شما آینده درخشانی داشته باشد؟

من در طول این ۴۰ سال فعالیت رسمی که هنوز هم ادامه دارد، در فیلم هایم ابایی نداشتم که با شناخت ماهیت فیلم، از اکشن استفاده کنم. در طراحی اکشن باید خلاقیت وجود داشته باشد. اکشن این نیست که هنرپیشه ها به جان هم بیفتند، اکشن مثل طراحی رقص است و تو باید طراحی کنی، جمع بندی کنی و من هم این کار را بلدم و انجام دادم. در خصوص

فیلمسازان نسل جوان، من فیلم «ابد و یک روز» سعید روستایی را اولین بار در جشنواره فجر که داور آن بودم تماشا کردم و ما ۱۰، ۱۱ جایزه هم به آن دادیم. همان زمان خیلی ها می گفتند با این تعداد جایزه شاید مسیر آینده سعید روستایی تغییر کند، اما من عقیده داشتم فیلم خوب است و باید جایزه بگیرد. من حتی فیلم «متری شیش و نیم» او را هم دوست داشتم. این سبک، سبک سعید روستایی است و من امیدوارم در این ژانر اجتماعی که انتخاب کرده است، در خشان باشد؛ این در حالی است که ممکن است بتواند، ممکن است نتواند. با تاکید می گویم من «ابد و یک روز» را بیشتر می پسندم چون یک دست تر بود.

شما در این چند سال گذشته به لحاظ مدیریتی سینما را چطور دیدید؟ آن کمبود عدالتی که قبلاً در موردش حرف می زدید حالا رفع شده است؟ از نظر شما شوره های پروانه ساخت، نمایش و حیطه اکران چقدر همراه هستند و چقدر در گیر لابی؟

پروانه نمایش میراثی است که از گذشته مانده و الان کارایی اش را از دست داده است. در زمان معاونت قبلی؛ آقای حیدریان، در چند جلسه گفتیم که باید فکری به حال این موضوع بکنیم. اینکه بروی، قصص را تعریف کنی و مجوز ساخت بگیری، چیزی شبیه «عرض خود می بری و زحمت ما می داری» است و دیگر دوره اش گذشته اما ظاهراً هیچ مسئولی جرات نمی کند این پروانه را بردارد. شورای بازبینی باید بگوید تو فیلمت را بساز و بیاور ما ببینیم، اگر موردی داشت می گویم. در حوزه ساخت هم کاری می کنند که انگار هم ما را به بازی گرفته اند و هم خودشان را سر کار گذاشته اند! در خصوص عدالت هم باید بگویم ذات سینما عادلانه نیست. مثل این است که در بخت آمایی یا قرعه کشی خواهی دنبال عدالت باشی. از روزی که پروانه ساخت می گیری تا مراحل تولید و سر صحنه، حالتی «بگیر نگیر» برقرار است. در این سال های اخیر هم عدالت به شدت کمتر شده است. مثلاً من در یکی از جلسات شورای

صنفی که اجازه اکران را می دهد، شرکت کردم و دیدم آدم هایی در آن هستند که سعی می کنند عادلانه رفتار کنند، اما سینمای امروز ما به سمت ژانر خصوصی حرکت کرده است و من فکر می کنم در ۳، ۴ سال آینده سالن های سینما، از حیز ارتفاع ساقط می شوند، مثل اتفاقی که برای تئاتر لاله زار افتاد. برای فیلم دیدن جاهای دیگری پیدا شده است؛ مثل همین نمایش خانگی و اپلیکیشن های اینترنتی و سینما دیگر جای دیدن فیلم های لوده شده است و این برای آینده سینما خطرناک است.

شما همیشه از سینمای دولتی گلایه می کنید، ولی الان متأسفانه با اضافه شدن سازمان هایی مثل «اوج» این سینمای دولتی دارد قوی تر از روزهای قبل به حیاتش ادامه می دهد. اگر روزی از «اوج» پیشنهاد ساخت فیلم یا سریال داشته باشید، قبول می کنید؟

بله؛ اگر من سوزهای داشته باشم و اوج پیشنهاد بدهد حتماً قبول می کنم. کار شخصی من، با اعتقاد من در مورد سینما فرق می کند. اعتقاد من در مورد سینما با توجه به اینکه سال ها سابقه کار صنفی و تشکیلاتی دارم این است که سینما باید با بخش خصوصی کار کند تا بتواند به رشد برسد. یک وقتی حوزه هنری و فزایی از این کارها می کردند، اما ممکن است یک روز دلشان بخواهد کار کنند، یک روز دلشان نخواهد، یک روز بودجه داشته باشند، یک روز بودجه نداشته باشند و سینما را وصل اراده مراکز دولتی کردن اصلاً مطلوب نیست. بهترین نمونه سینمای دولتی سینمای شوروی است. سینمای آمریکا و اروپا با هر شرایطی که دارند، راه خودشان را ادامه می دهند اما به محض اینکه سینمای دولتی از بین برود، سینما هم از بین می رود. من ۲۳ سال بعد از فروپاشی شوروی رفتم و دیدم آن ها دستگاه زیاد دارند، استودیو زیاد دارند، اما فیلمساز ندارند. به هر روی اگر اوج یا هر سازمان دولتی دیگر به من پیشنهاد بدهند و پیشنهادشان در جهت تحقق قصه من باشد، حتماً قبول می کنم و اگر قبول نکنم شما باید بپرسید چرا؟